

اهمیت علم و دانش و آگاهی در بین رجال فرهنگی - تاریخی کلیله و دمنه با تأکید بر سرمایه‌های فرهنگی

وحید امیری یاسی کند^۱، علی دهقان^۲ و حمیدرضا فرضی^۳

چکیده

یکی از فاکتورهای اساسی در سرمایه فرهنگی تجسم یافته، سنجش میزان تمایلات و علاقه‌مندی افراد به مسائل علمی است. از منظر سرمایه‌های فرهنگی، گرایش به علم و دانش، ترویج آگاهی و تلاش در جهت ارتقاء سطح اطلاعات و کسب علوم، از مؤلفه‌هایی است که نشان‌دهنده تمایلات و رغبت افراد به اندوختن سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته می‌باشد. براساس رویکرد نظری سرمایه فرهنگی پیر بوردیو، از عمده‌ترین گرایش‌های فرهنگی مندرج در کتاب کلیله و دمنه، گرایش رجال فرهنگی آن به علم و دانش و تأکیدشان بر دانایی است که در این جستار به آن می‌پردازیم. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده و شیوه بررسی از نوع مطالعات کیفی و تحلیل محتواست. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که گرایش به کسب حکمت و دانش و ضرورت علم‌آموزی و افزایش سطح معلومات یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها است. از نمونه‌های برجسته، دانش دوستی کسری انوشیروان، پادشاه ساسانی است. در بسیاری از منابع تاریخی، انوشیروان به عنوان چهره فرهنگی معرفی شده و کلیله و دمنه به پاس زحمات او و علاقه‌اش به علم و دانش و فرهنگ به ایران منتقل گردیده و نشر می‌یابد. از این‌رو، اهمیت علم و آگاهی نزد وی، نمودی از سرمایه فرهنگی تجسم یافته به شمار می‌رود. همچنین می‌توان به جایگاه رفیع علم و دانش در بین برزویه طبیب، ابن مقفع و نصرالله منشی اشاره نمود که بی‌گمان محصول انباشت سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته و برگرفته از نگرش‌های فرهنگی و اندیشه‌های متعالی آنها بوده است.

کلید واژه‌ها: سرمایه‌های فرهنگی، تجسم یافته، ادبیات تعلیمی، کلیله و دمنه، اهمیت علم و دانش.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۲ - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

a_dehghan@iaut.ac.ir

^۳ - گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۱/۲۲

مقدمه

یکی از شاکله‌های اصلی هویت فرهنگی ما ایرانیان، زبان و ادبیات است که با پیشینه‌ای چند هزار ساله، میراث معنوی همه اقوام ایرانی است. آثار ادبی منظوم و مثنوی پارسی با درونمایه‌های ممتاز، از ارزشمندترین ذخایر و غنای فرهنگی در حوزه تمدن ایران محسوب می‌شود که در مقایسه با ادبیات ملل، از جایگاهی بس والا برخوردار است. با بررسی آثار ادبی برجسته جهان متوجه می‌شویم که ادبیات و فرهنگ با همه گستردگی خود، یکدیگر را تحت تأثیر قرار داده و تقویت می‌کنند، به گونه‌ای که «هر کجا آثار ادبی و غنی بیشتر باشد، فرهنگ‌های غنی‌تر و ریشه‌دارتر هم وجود داشته است و متقابلاً فرهنگ‌های گسترده و عمیق، همواره خاستگاه و بستر پیدایش آثار ادبی فراوان و ارزنده بوده‌اند.» (طغیانی، ۱۳۸۴: ۹۴) اگر فرهنگ را پیوندگر اصلی روابط اجتماعی و مبین شیوه زندگی واحدهای اجتماعی در نظر بگیریم، ابعاد «ذهنی و عینی» فرهنگ نقش بسزایی در تسهیل نحوه احساس، اندیشه و عمل (سرمایه فرهنگی) خواهند داشت.

امروزه مطالعات فرهنگی صرفاً محدود به ارزش‌های ذهنی زیبایی‌شناختی آن نیست و فرهنگ جزو یکی از انواع مهم «سرمایه» محسوب می‌شود. با ورود مفهوم سرمایه به حوزه فرهنگ و هنر، مفاهیم جدیدی شکل گرفت که مفهوم سرمایه فرهنگی (Cultural capital) یکی از مهم‌ترین آنهاست. «مفهوم سرمایه فرهنگی تأثیر چشم‌گیری بر جامعه‌شناسی نهاد است، زیر این مفهوم، فرهنگ را در مرکز تحقیقات راجع به قشر بندی وارد نموده است.» (کارکنان نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۴) که پیش از این عمدتاً با مقوله‌های اقتصادی مورد سنجش قرار می‌گرفت. ادبیات به عنوان حافظه عمومی، از ابزارهای است که انتقال‌دهنده فرهنگ بوده و از این جهت می‌توان آن را یکی از صورت‌های «عینیت یافته سرمایه‌های فرهنگی» قلمداد نمود. افزون بر این، متون ادب فارسی گنجینه انواع مختلف سرمایه‌های فرهنگی است که از دیرباز اندوخته شده‌اند. کتاب کلیله و دمنه در این زمینه نمونه قابل توجهی است که نگارندگان این جستار، سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته در شخصیت رجال آن را با رویکرد بوردیو بازکاوی کرده‌اند.

اهداف پژوهش

با خوانش میان رشته‌ای بین ادبیات و جامعه‌شناسی می‌توان به زوایای تازه‌ای از متون ادبی دست یافت. با توجه به مسأله پژوهش پیش‌رو در بازکاوی اهمیت علم و دانش نزد رجال تاریخی - فرهنگی کلیده و دمنه، انتظار می‌رود به این اهداف دست یابیم:

- بررسی و تبیین ترجیحات فرهنگی رجال تاریخی کلیده و دمنه بر اساس سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته.

- بررسی نمود سرمایه‌های تجسم یافته نزد انوشیروان، برزویه طبیب، ابن مقفع و نصرالله منشی از حیث رویکردهای علمی آنها.

پیشینه و ضرورت انجام پژوهش

پیشینه تحقیقات انجام یافته در مورد کلیده نشان می‌دهد که با وجود مطالعات فراوان، متأسفانه تاکنون در زمینه پژوهش حاضر مطالعه‌ای انجام نیافته است. بیشترین بررسی‌ها راجع به مسائل تعلیمی و اخلاقی مندرج در این کتاب بوده است. به عنوان نمونه (ر.ک: طالبیان و امین، ۱۳۹۷: ۱-۳۰). همچنین تحقیقاتی در مورد نشانه‌شناسی برخی از داستان‌های کلیده (ر.ک: نماشیری، ۱۳۹۷: ۲۱۱-۲۲۹) گفتمان مترجم بر ترجمه (ر.ک: مقدسی‌نیا، ۱۳۹۷: ۳۳-۵۶) رویکردهای تطبیقی (ر.ک: غلامی‌درگاهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۹-۹۸) متن‌شناسی (ر.ک: حدادیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۵-۶۲) روایت‌شناسی (ر.ک: نظری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱-۱۶) رویکردهای علم سیاست و تدبیر مڈن (ر.ک: عاملی و رضایی، ۱۳۹۶: ۸۱-۱۰۴) مباحث مربوط به اخلاق مدیریتی (ر.ک: شیخ لووند و مستعلی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۳۷-۱۶۰) دستور زبان (ر.ک: شیبانی اقدم و محسنی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۸۹) فنون ادبی (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۲۱-۱۳۲) فابل و موضوعات مربوط به آن (ر.ک: غلامی، ۱۳۹۳: ۱۴-۱۷) و مطالعاتی از این دست صورت گرفته است. همچنین کتابشناسی کلیده و دمنه در زبان فارسی (نک: سلمان‌ی و محبی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۰۹-۱۳۲) انجام یافته و در دسترس محققان قرار گرفته است. پژوهش‌هایی دیگر از قبیل تاریخ ادبیات ذبیح‌الله صفا؛ سبک‌شناسی ملک‌الشعراى بهار و سیروس شمیسا و رستگار فسایی که به بررسی

سبک و تاریخچه این اثر و ترجمه های مختلف صورت گرفته از آن پرداخته اند. یا تحقیقات دکتر محمدجعفر محبوب که این کتاب را از دیدگاه داستان پردازی مورد تحلیل قرار داده است. در بحث ادبیات کودک هم مطالعاتی انجام یافته. مقالاتی در مقایسه این کتاب با گلستان سعدی، حدیقه سنایی و مثنوی مولانا وجود دارد. در برخی مقالات نیز اندیشه های سیاسی مترجم کلیده و دمنه نقد شده است.

با توجه به این موضوع که «عرصه تعلیم و تربیت بیش از دیگر حوزه های دانشگاهی شاهد بررسی های نظری و تحقیقاتی مفهوم سرمایه های فرهنگی بوده است» (جانعلیزاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۱۷) باید گفت اهمیت این نوع از سرمایه در بین پژوهشگران ادب فارسی هنوز مورد توجه واقع نگردیده و مطالعات بین رشته ای در این عرصه صورت پذیرفته است. بر این قاعده، بررسی و تحلیل متون ادبی، بالاخص ادب تعلیمی، که از پتانسیل قابل توجهی در مطالعات فرهنگی برخوردارند؛ می تواند قابلیت های نهفته ادبیات تعلیمی را کشف نموده و پژوهشگران را با زوایای جدیدی از تعلیمات فرهنگی آشنا سازد. در واقع، هر اثر عینی به تعبیر بوردیو، یک سرمایه فرهنگی «عینیت یافته» است که برای شناخت بهتر و جامع تر آن ناگزیر از بررسی های فرهنگی خواهیم بود.

روش انجام پژوهش

با توجه به کیفی بودن پژوهش حاضر، معیار اصلی در گزینش شاخص های ابعاد سرمایه فرهنگی، قرابت و همخوانی آنها با علائم و شناسه های تئوریک فرهنگی متن کلیده و دمنه بوده است. از این رو، وجهه نوآورانه تحقیق حاضر این است که رمزگشایی گداهای فرهنگی مندرج در کتاب کلیده و دمنه ذیل اهمیت علم و دانش به عنوان یکی از مؤلفه های مهم سرمایه فرهنگی، به وسیله نمونه هایی برجسته، مقتضی با زمینه های فرهنگی کتاب صورت پذیرفته که در چهارچوب رویکرد نظری بوردیو است. مقدمه ابن مقفع و باب برزویه طیب خواه از افزوده های بزرگمهر بوده باشد، خواه به خامه ابن مقفع، مهم این است که این دو بخش هندی نبوده و دریچه ای رو به فرهنگ و اندیشه ایران باستان است. همچنین، ملاحظه شد که دیباچه نصرالله

منشی با وجود حجم اندک، به لحاظ غنای فرهنگی بویژه انواع سرمایه‌های فرهنگی از بخش‌های برگزیده این کتاب به شمار می‌آید که گویی در گزینش محتوای آن هدفی مدنظر بوده است. از این رو، در این پژوهش، مطالب آن سه مقدمه، جدا از باب‌های اصلی کتاب بررسی شده تا رهیافتی باشد به سوی سرچشمه‌های زلال اندیشه ایرانی. مطالعه حاضر به روش توصیفی-تحلیلی از نوع کتابخانه‌ای بوده و نمونه‌های آماری از کتاب «شرح کلیله و دمنه بر اساس نسخه مجتبی مینوی» تألیف دکتر خیرالله محمودی (۱۳۸۶) انتشارات دانشگاه شیراز می‌باشد.

مفهوم شناسی سرمایه فرهنگی

از چند دهه قبل، تغییری اساسی در مفهوم سرمایه به وجود آمد. بحث راجع به سرمایه، تاریخی طولانی دارد که از اواسط قرن هجدهم میلادی به بعد، نظریه‌پردازان به طور مفصل درباره اهمیت آن به ارائه تحقیقات پرداخته‌اند. «مارکس (Marx)؛ آدام اسمیت (AdamSmith) و جان استوارت میل (JohnStuartMill) به عنوان اولین متفکرانی که به مفهوم سرمایه پرداخته‌اند؛ تصویری مادی از سرمایه داشتند» (استوربرگ، ۲۰۰۲: ۴۷) که مجموعاً ذیل عنوان «سرمایه اقتصادی» (Economic capital) مطرح می‌شود. اما تغییری که در مفهوم‌شناسی سرمایه به وجود آمد این بود که بحث سرمایه، عمدتاً در حوزه اقتصادی و انباشت ثروت مورد بررسی قرار نمی‌گرفت چرا که «سرمایه منابع عمومی یافته‌ای است که می‌تواند به شکل پولی یا غیرپولی و نیز ملموس و غیرملموس وجود داشته باشد.» (آن‌هایر و همکاران، ۱۹۹۵: ۸۶۲) اصولاً بنیان معرفتی مارکسیسم کلاسیک بر پایه اهمیت عوامل مادی در تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی بوده است که اقتصاد را زیربنای اجتماع، فرهنگ، سیاست، آموزش و پرورش، حقوق و غیره قلمداد می‌کند. در کنار این بحث، عده دیگری از اندیشمندان به تحلیل اثرگذاری متغیرهای غیرمادی بر زندگی اجتماعی پرداخته‌اند. در این دیدگاه، دارایی‌های گوناگونی از جمله دارایی فرهنگی به مراتب نقش مهم‌تری نسبت به دارایی‌های اقتصادی در پیشرفت و توسعه جوامع دارند. با گسترش روز افزون مفهوم سرمایه در عرصه فرهنگ و اجتماع و تأثیرگذاری آن در سایر عرصه‌های دانش بشری، مفاهیم جدیدی شکل گرفت که «سرمایه‌های

فرهنگی» از جمله آنهاست. «مفهوم سرمایه فرهنگی، ناظر به مجموعه ای از توانمندی ها، عادت ها و طبع های فرهنگی از جمله دانش، زبان، سلیقه یا ذوق و کسب زندگی» (صالحی امیری؛ سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۶۰) است که امروزه بسیار از آن سخن گفته می شود.

تقریباً همه محققان بر این عقیده متفق القول اند که مفهوم سرمایه فرهنگی برای نخستین بار از سوی پیر بوردیو (Pierre Bourdieu) اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی به کار رفته است. به اعتقاد بوردیو، برای درک سلسله مراتب اجتماعی افراد، صرفاً تمرکز بر روی دارایی های اقتصادی آنها کافی نیست و باید علاوه بر آن به میزان سرمایه های اجتماعی و فرهنگی افراد نیز توجه نمود. مفهوم سرمایه در نظر بوردیو از مفهوم پولی سرمایه در اقتصاد، بسیار گسترده تر است. اگرچه هر نوع دارایی، مالکیت یا کالایی که در جامعه ارزشمند شمرده می شود، می تواند نوعی سرمایه محسوب گردد، اما بوردیو در مقاله ای تحت عنوان «اشکال سرمایه» از سه نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی (شبکه ای از روابط فردی و گروهی که هر فرد در اختیار دارد) و فرهنگی نام می برد و برای آنها از سایر سرمایه ها ارزش بیشتری قائل می شود.

سرمایه فرهنگی مدنظر بوردیو شامل «مهارت های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدارک تحصیلی و قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی است که هر فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می کند.» (بابایی فرد؛ حیدریان، ۱۳۹۴: ۱۲۳)

بوردیو در کتاب «اشکال سرمایه فرهنگی» (۱۹۹۷: ۴۶-۵۸) سه نوع سرمایه فرهنگی را معرفی می کند:

- سرمایه فرهنگی تجسم یافته یا مجسم (embeddable): اولین نوع آن سرمایه فرهنگی تنیده شده است که در ناخودآگاه فرد تشکیل یافته و به صورت مهارت و تربیت خصایل دیرپای فکری و جسمی بوده و بیانگر چیزهایی است که افراد می دانند و می توانند انجام دهند. این حالت از سرمایه فرهنگی را نمی توان فراتر از ظرفیت ها و استعداد های یک فرد انباشت کرد. این سرمایه شامل نگرش، آگاهی، مهارت و دانش است: «در این نوع سرمایه فرهنگی، فرد می تواند با تلقین و شبیه سازی به سلايق و حالت های خاصی دست یابد؛ در واقع می توان گفت مفهوم سرمایه فرهنگی رابطه نزدیکی با تربیت دارد، بنابراین، سرمایه فرهنگی

متجسّد و تنیده شده، به میزان خیلی زیادی، با جسم فرد به انضمام مغز او رابطه دارد.» (رضایی و تشویق، ۱۳۹۲: ۱۳) این فرآیند طولانی تجسّد، مستلزم تلاش فرد و سرمایه‌گذاری شخصی او بوده و به وسیله خود فرد به دست می‌آید. سرمایه‌متجسّم به همراه حامل خود، رو به افول رفته و می‌میرد.

- سرمایه فرهنگی عینیّت یافته (objectified): دومین نوع سرمایه فرهنگی است که به صورت کالاهای فرهنگی و اشیاء مادی از قبیل کتاب‌ها، آثار هنری، میراث فرهنگی و غیره تجلّی پیدا می‌کند. «به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینی می‌گویند» (محسنی، ۱۳۶۷: ۱۸۱). در واقع، سرمایه فرهنگی عینیّت یافته سرمایه‌ای است که به صورت اعیان به تملک درآمده و شامل هرچیزی است که از دایره ذهنیّت به واقعیّات و عینیّات راه یابد.

- سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده (Institutionalized): که از طریق صلاحیّت‌های تحصیلی و فرهنگی همچون مدارک و مدارج تحصیلی، تصدیق و گواهی حرفه و کار نمود پیدا می‌کند. «این حالت نوعی رسمیت بخشیدن نهادی به سرمایه فرهنگی فرد است.» (شارع پور و خوشفر، ۱۳۸۱: ۱۳۷)

جایگاه فرهنگی کلیله و دمنه

کلیله و دمنه در تاریخ ادب جهان از شهرتی ویژه برخوردار است. این کتاب «یکی از گنجینه‌های ادب فارسی و از هدایای وضعیّت ادبی دوره دوّم حکومت غزنوی است» (مدرّس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۳) که می‌توان درونمایه و محتوی آن را از منظر جامعه‌شناسی بررسی کرد. چرا که «رابطه میان ادبیّات و جامعه‌شناسی، از راه فرهنگ و زبان- که هر دو ماهیّتی اجتماعی دارند- شکل گرفته است. در واقع، ادبیّات بازتابنده فرهنگ و زبان هر جامعه است.» (پیرنجم‌الدین؛ شهبازی، ۱۳۹۰: ۵۵۳) مجتبی مینوی درباره اهمیّت این کتاب در توجّه به حکمت و علم و آگاهی می‌نویسد: «کتاب کلیله و دمنه از جمله آن مجموعه‌های دانش و حکمت است که مردمان خردمند قدیم گرد آوردند و «به هرگونه زبان» نوشتند و از برای فرزندان خویش به میراث گذاشتند و در اعصار و قرون متمادی گرامی می‌داشتند، می‌خواندند و از آن

حکمت عملی و آداب زندگی و زبان می‌آموختند.» (منشی، ۱۳۹۱: ز) ابن مقفع دربارهٔ محتوای کلیله می‌گوید که مشحون از پند و نصیحتِ عالمانه و علم و دانشِ حکیمانه است: «این کتاب کلیله و دمنه آوردهٔ علما و براهمهٔ هند است در انواع مواعظ و حکم و امثال و همیشه حکمای هر صنف از اهل عالم می‌کوشیدند و به دقایق حیلت آن می‌گشتند که مجموعی سازند مشتمل بر مناظم حال و مآل و مصالح معاش و معاد تا آنگاه که ایشان را این اتفاق خوب روی نمود و بر این جمله وضعی دست داد که سخن بلیغ به اتقان بسیار از زبان بهایم و مرغان و وحوش جمع کردند.» (همان، ۱۳۸۶: ۶۹)

غناهی مفاهیم کلیهٔ دانش‌های موجود در آن تا بدان درجه است که «مأمون فرزندان خود را به آموختن عهدِ اردشیر و کلیله دستور داد.» (تفضلی، ۱۳۸۳: ۲۱۸) و ابن‌الندیم در ذکر کتاب‌هایی که همگان در سودمندی آنها متفق‌القولند از کتاب کلیله نام می‌برد. (ابن‌الندیم، ۱۴۱۷ق: ۱۵۸). ملک‌الشعراى بهار در این باره می‌نویسد: «هیچ کتابی را سراغ نداریم که مانند این کتاب مُستطاب در طول قرون و در نزد ملل مختلف تا این اندازه دوام آورده و مونس ملوک و انیس و سرمشق اخلاق و راهنمای زندگی قرار گرفته باشد» (بهار، ۱۳۲۱: ۲۵۳). نصرالله منشی دربارهٔ عام‌المنفعه بودن مطالب این کتاب می‌گوید: «و به حقیقت کانِ خرد و حَصافت و گنجِ تجریت و ممارست است، هم سیاست ملوک را در ضبط مُلک بشنودن آن مَدَد تواندبود و هم اوساط مردمان را در حفظِ ملک از خواندن آن فایده حاصل تواندشد.» (منشی، ۱۳۸۶: ۴۰). این کتاب سرشار از محورها و رویکردها و راهبردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و بسیار قابل تأمل و تدبّر است که علاوه بر یک اثر داستانی و تعلیمی، از جمله سرمایه‌های فرهنگی عینیت‌یافته و مهم ادب فارسی، بلکه سرزمین هند و تمدن جهان محسوب می‌شود. باری، می‌توان گفت که کلیله «آمیزه‌ای از حکمت برهمنان هند، هوش و جهان‌بینی پزشک هوشمند ایرانی برزویه، دانش و آزاداندیشی روزبه پارسی و سرانجام نبوغ هنر و افسون‌سازی خامهٔ ابوالمعانی نصرالله منشی است.» (انزابی نژاد، ۱۳۷۲: ۲)

بحث و بررسی

گرایش‌های علمی و فرهنگی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی تجسم یافته است که در بسیاری از پژوهش‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. بوردیو (۱۹۸۶)، به نقل از اندرسن و جاگر، (۲۰۱۳: ۱۸۴) علاقمندی به علم و دانش از طریق کتابخوانی و فعالیت‌های مطالعاتی را به عنوان یکی از فاکتورهای اصلی سرمایه فرهنگی تئیده شده مدنظر داشته است. شارع پور و خوش‌فر (۱۳۸۱: ۱۳۴) سرمایه فرهنگی متجسم را گرایش‌ها و تمایلات روانی نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی تعریف نموده‌اند. توسلی (۱۳۸۳: ۱۸-۱۴) این نوع از سرمایه فرهنگی را جامع دانش و فرهنگ قلمداد کرده است. منادی (۱۳۸۶: ۲۵-۲۰) مطالعات ادبی، تاریخی و اجتماعی را از جمله ملاک‌های سنجش میزان سرمایه فرهنگی تجسم یافته محسوب نموده و غفاری (۱۳۸۷: ۱۶-۱۷) مطالعه و علاقه به کسب دانش را یکی از شاخصه‌های اصلی در سنجش سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته عنوان نموده است. در پژوهشی که کاووسی و خراسانی (۱۳۸۹: ۸۹-۹۱) به انجام رسانده‌اند، مؤلفه دانش‌دوستی و علاقه به کالاهای فرهنگی از جمله کتاب، به عنوان یکی از شاخصه‌های سنجشی سرمایه فرهنگی متجسم مورد بررسی قرار گرفته است. آشافنبرگ و موس (۱۹۹۷: ۲۳-۳۴) مهارت ادبی و دانش زبانی را یکی از مؤلفه‌های مهم در کسب سرمایه فرهنگی متجسم معرفی کرده‌اند. اینک به بررسی مسأله پژوهش می‌پردازیم.

۱- اهمیت علم و دانش در نزد انوشیروان ساسانی

به طور حتم شکوفایی فرهنگ و تمدن هر کشوری در پیوند با فرهیختگی فرمانروایان آن است. منابع موثق تاریخی حاکی از آن است که خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) پادشاه ساسانی، شیفته علم و دانش و فرهنگ بوده و با اندیشمندان و فیلسوفان بسیاری هم‌نشینی داشته است. آگاتیاس (Agathias) شاعر و تاریخ‌نگار یونانی با همه کینه‌ای که از انوشیروان در دل دارد، وی را به خاطر دانش‌دوستی و علاقه به فرهنگ و هنر می‌ستاید و از او با احترام یاد می‌کند (ر.ک: انگلبرت و دیگناس، ۱۳۸۶: ۲۱۷). بسیاری از منابع عربی، از فرهیختگی انوشیروان یاد کرده‌اند

(ر.ک: الحموی، ۱۹۹۵ م: ۷۴-۷۵؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۰). ثعالبی او را از بهترین، خردمندترین و داناترین شاهان ایران معرفی کرده است (ثعالبی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۹۰). ابن بلخی می نویسد: «چون پادشاهی بر خسرو انوشیروان عادل قرار گرفت، هرکجا کتابی در مورد حکمت‌ها و سیاست می یافت، می خواند.» (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۸۸) همچنین دینوری او را پادشاهی توصیف می کند که همانندش در طلب علم و دانش نبوده است. بر اساس متن کتاب «اخبار الطوال» حکیمان و اندیشمندان بسیاری در جوار انوشیروان جمع می شدند و او منزلتشان را ارج می نهاد. (ر.ک: دینوری، ۱۳۷۱: ۱۰۰) برزویه می نویسد: انوشیروان ساسانی سعادت «محبت علم و علما» را داشته (منشی، ۱۳۸۶: ۹۳) و ابن مقفع در خلال ذکر خصایل نیکوی کسری انوشیروان، با اشاره به سه صفت او یعنی، عدالت، دانش و آگاهی، وی را فردی معرفی می کند که در کسب علم و انواع آن اهتمام جدی داشته و از عنایات خاصه او بوده که کلیده به ایران انتقال پیدا کرده، ترجمه شده و نشر یافته است. در محتوای دستوری که انوشیروان به برزویه طیب جهت انتقال کلیده از هندوستان به ایران می دهد؛ از وی می خواهد که «دیگر کتب هندوان بدان مضموم گردد.» (همان: ۵۶) بر این اساس، برزویه در طول این سفر کتاب‌های بسیاری را استنساخ کرده و با خود می آورد: «به وقت بازگشتن کتاب‌ها آوردم که یکی از این کتاب‌ها، کلیده و دمنه است.» (همان: ۹۶)

به اظهار ابن مقفع، بزرگی و عظمت انوشیروان به خاطر دانش دوستی او بوده است: «و سبب و علت ترجمه این کتاب و نقل آن از هندوستان به پارس آن بود که باری - عز اسمه - آن پادشاه عادل بختیار و شهریار عالم کامگار انوشیروان کسری بن قباد را - خَفَّفَ اللهُ عَنْهُ - از شعاع عقل و نور عدل حظی وافر ارزانی داشت... تا نهمت به تحصیل علم و تتبع اصول و فروع آن مصروف گردانید و در انواع آن به منزلتی رسید که هیچ پادشاه پس از وی آن مقام را نتوانست یافت و آن درجت شریف و رتبت عالی را سزاوار و مُرَشَّح نتوانست گشت» (منشی، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۵)

ابن مقفع روایت می کند که انوشیروان در کار انتقال کتاب از هندوستان به ایران «مالی خطیر» به همراه برزویه گسیل می دارد: «و در صحبت او پنجاه صُرّه که هر یک ده هزار دینار بود حمل

فرمود و به مشایعت او با جملگی لشگر و بزرگان مُلک برفت.» (همان: ۵۶) پادشاه اطمینان می‌دهد که اگر حتی به مال زیادی احتیاج باشد، به هندوستان خواهد فرستاد: «و اگر مدت مُقام دراز شود و به زیادتی حاجت افتد؛ بازنمایی تا دیگر فرستاده آید.» (همان) در دانش دوستی انوشیروان همین بس که مصمم است ثروت و مکنّت پادشاهی را در راه به دست آوری کلّیه و دمنه، خرج کند: «تمامی خزاین ما در آن مبذول خواهد بود.» (همان) نکته قابل توجه صرف وقت و زمانی است که برای انجام کارهای فرهنگی در کنار صرف هزینه‌های مالی هنگفت صورت می‌پذیرد. صرف کردن وقت و زمان برای دستیابی به اهداف فرهنگی، از نکات ظریفی است که جزو سرمایه‌های تجسّد یافته محسوب می‌شود. از آنجا که در حالت متجسّد انباشت سرمایه فرهنگی در کالبد و ذهن صورت می‌پذیرد «عمل اخذ و اکتساب تلاشی است که پیشاپیش در گرو صرف هزینه مستقیم توسط خود شخص است. سرمایه‌گذاری‌ای که از همه مهم‌تر است به صورت صرف وقت است.» (راد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

بدون شک در کشوری که پادشاه و وزیر- انوشیروان و بزرگمهر- خردمند و دانش دوست باشند؛ علم و فرهنگ اوج می‌گیرد و دانشمندان سعادت‌مند خواهند شد. «دانش دوستی و خردپرووری خسرو انوشیروان سبب شد که دانشمندان و هنرمندان کشورهای دیگر به دربار او روی آورند و دستاوردهای علمی و تجربه‌های خود و تمدنی را که نماینده آن بودند از راه تألیف کتاب‌ها و پرورش شاگردان به سرزمین ایران انتقال دهند. همچنین، به پشتیبانی خسرو انوشیروان، کتاب‌های زیادی در زمینه‌های پزشکی، فلسفه و نجوم از روم و هند و دیگر کشورها به پهلوی ترجمه و در دانشگاه‌های جندی‌شاپور بایگانی شدند.» (جلیلیان و گیلانی، ۱۳۹۶: ۲۳)

بر پایه علاقمندی انوشیروان به علم و دانش و بزرگداشت عالمان و اندیشمندان عصر، دارالحکمه‌های متعددی به وجود آمده و رشد می‌کند که در تعالی علم و فرهنگ ایران عصر باستان بسیار سودمند بوده‌اند. این تأثیر فرهنگی، نشأت یافته از سرمایه فرهنگی متجسّد انوشیروان است که دوست‌دار دانش بوده و علاقه به علم و فرهنگ را در خود درونی ساخته و ذهن و جسمش را با این مقوله‌های متعالی مانوس داشته است.

۲- جایگاه علم و دانش در نزد برزویه طبیب

بی گمان یکی از افراد فرهیخته‌ای که در عصر ساسانیان به شهرت عالم‌گیر دست یافته و نامش با کلیله و دمنه پیوندخورده برزویه طبیب است. «با وجود اشتهار کتاب کلیله و دمنه در تاریخ ادبیات ایران زمین، اطلاعات ما در خصوص برزویه بسیار اندک است، گویی معرفت این کتاب باعث شده که عملاً شخصیت برزویه در هاله‌ای از ابهام و فراموشی قرار گیرد.» (چوپانیان، ۱۳۹۲: ۳۴) با وجود این، منابعی هستند که جسته و گریخته درباره این شخص مطالبی عنوان داشته‌اند. اصطخری (۱۳۷۳: ۲۰۴) در خصوص بهره‌ای که او از علم و دانش گرفته، می‌نویسد: «...در روزگار خود قصب السبق ربوده و ممتاز گشته و بی نظیر بود». همچنین حاجی خلیفه (۱۳۷۸: ۱۵۰۹-۱۵۹۷) برزویه را «حکیم» معرفی می‌کند. فردوسی (۱۹۷۰م، ج ۸: ۲۵۳-۲۵۷) در شاهنامه و در خلال داستان رفتن برزویه به هند و آوردن کتاب کلیله و دمنه، او را پزشکی سخنور معرفی می‌کند که خوشه‌چین هر دانشی بوده و بدان سبب در میان عام و خاص مشهور بوده است:

ز هر دانشی داشتی بهره‌ای به هر بهره‌ای در جهان شهره‌ای
(بخاری، ۱۳۶۱: ۴۱-۴۲)

در «داستان‌های بیدپای» درباره مقام و جایگاه علمی برزویه می‌نویسد: «انوشیروان هرچند در بزرگان دولت و ارکان مملکت خویش نظر کرد، هیچ‌کس را شایسته‌تر از برزویه پزشک ندید». با تتبع در باب برزویه که «مهم‌ترین بخش اطلاعات ما را درباره این شخصیت در بر دارد.» (چوپانیان، ۱۳۹۲: ۴۳) می‌توان با نگرش‌های فرهنگی وی آشنا شد. برزویه خود را «مقدم اطبای پارس» معرفی می‌کند که در هفت سالگی به تشویق پدر و مادرش شروع به تحصیل در علم پزشکی کرده است. (ر.ک: منشی، ۱۳۸۶: ۷۷) در این باره می‌نویسد: «به رغبت صادق و حرص غالب در تعلم آن می‌کوشیدم تا بدان صنعت شهرتی یافتم و در معرض معالجت بیماران آمدم.» (همان) درجایی دیگر می‌گوید: «در جمله بر این کار اقبال تمام کردم و هر کجا بیماری نشان یافتم که در وی امید صحت بود معالجت او بر وجه حسبت بر دست گرفتم.» (همان) بر این قاعده، مطالعه کتاب یکی از گرایش‌های فرهنگی او بوده است. شواهد و قراین نیز حاکی از

تدقیق او در کتاب هاست. به عنوان نمونه وی در خلال بحث حیرت و درماندگی اش در طلب دین می نویسد: «و در کتب طب اشارتی هم دیده نیامد که بدان استدلالی دست دادی...» (همان: ۸۲) برزویه درباره انگیزه های خود و مراحل زندگی علمی و معنوی اش می گوید: «به ضرورت، عزیمت مصمم گشت بر آنچه علمای هر صنف را ببینم و از اصول و فروع معتقد ایشان استکشافی کنم و بکوشم تا به یقین صادق، پای جای دلپذیر بدست آرم. این اجتهاد هم به جای آوردم...» (منشی، ۱۳۸۶: ۳-۸۲) اجتهادی که برزویه برای کسب آن قیام می کند، محرکی است که سرمایه های فرهنگی بالقوه او را مبدل به سرمایه فرهنگی بالفعل می کند. ابن مقفع نقل می کند که کسری انوشیروان در گزینش «مردی هنرمند» برای انتقال کتاب کليلة و دمنه به ایران ملاک هایی را مدنظر قرار می دهد که یکی تسلط به زبان هندی و دیگری اجتهاد در علم است (همان: ۵۵). در نهایت برزویه انتخاب شده و انوشیروان شایستگی او را در خرد و کیاست برمی شمرد و حرص برزویه را در طلب علم و هنر، ثابت شده می داند. (همان: ۵۶)

براساس متن کتاب کليلة، انوشیروان به پاس زحمات برزویه در قبال کار انتقال کليلة از هندوستان به ایران، مبالغ هنگفتی بعلاوه مشارکت او در حکومت به وی پیشنهاد می کند که برزویه آن را نمی پذیرد. در مقابل، خواسته برزویه این است که یک باب بنام او در کليلة و دمنه تألیف شود. برآستی برزویه چگونه توانسته است از شراکت در تخت و تاج پادشاهی صرف نظر کند و از گنج و نقود و جواهر فراوان چشم پوشد و در عوض تألیف یک باب به نام خود در کليلة را به همه آنها ترجیح دهد؟!

در پاسخ باید بگوییم که این همان سرمایه فرهنگی تنیده شده (متجسم) در فرد است که طی یک فرآیند طولانی تربیت و پرورش فکری، در ذهن و جسم آدمی و در اعماق ناخودآگاهش تثبیت می شود و اینگونه است که برزویه حاضر نیست که سرمایه درونی خود را با پول معاوضه و مبادله کند. همچنین صرف وقت و زمان برای دستیابی به اهداف فرهنگی مد نظر برزویه را که خود یکی از سرمایه های فرهنگی تجسم یافته بوده و در بحث قبلی بدان پرداخته شد، نباید از خاطر دور داشت. (ر.ک: راد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۷)

۳- ابن مقفع

ابن مقفع از پیشوایان فن کتابت و یکی از بنیانگذاران نثر فنی و ادبی زبان عربی است. ابن خلکان او را «مشهور به بلاغت و دارنده آثار بدیع» می خواند و ابن الندیم (۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۵۸) آنگاه که از ده سخنور شیوای جهان بحث می کند، او را نخستین آنان برمی شمارد. جاحظ در ستایش ابن مقفع می گوید: «هیچ کس بلاغت را چون ابن مقفع تفسیر نکرده است.» (جاحظ، ۱۹۶۸م: ۱۱۴)

ابن مقفع از مترجمان طراز اول زبان فارسی است که بدین وسیله توانست فرهنگ و هنر ایرانی را حفظ نموده و در ترویج آن نقش بسزایی ایفا نماید. او اولین کسی است که در میان مسلمانان، به ترجمه کتاب های منطق اقدام نمود. وی برای منصور عباسی سه کتاب از آثار ارسطو در منطق را ترجمه نمود. همچنین کتاب «المدخل الی علم المنطق» معروف به «سیاغوجی» را ترجمه کرد. علاوه بر کتاب کلیله و دمنه، می توان به کتاب هایی نظیر «مزدک و کتاب التاج» در سیره انوشیروان اشاره نمود که به دست ابن مقفع ترجمه شده است. کتاب «خودای نامک»، «آیین نامه» و رسائلی همچون «الادب الصغیر و الادب الکبیر» و «الصحابه الیتیمه» از تألیفات اوست. اشعاری نیز در کتب حماسه از او نقل شده است (ر.ک: ابن مقفع، ۱۴۲۷ق: ۱۰). ترجمه کلیله و دمنه مهم ترین کار فرهنگی ابن مقفع است که هم به لحاظ تعلیمات فرهنگی و اجتماعی و هم به لحاظ ادبی واجد تأثیرات مثبتی بوده است. با توجه به اهمیت کار ترجمه های ابن مقفع، جایز است که او را انتقال دهنده فرهنگ ساکنان ایران زمین به جهان اسلام بنامیم. در واقع، نقش ابن مقفع در رونق بخشیدن به امر ترجمه، نقشی جریان ساز بوده که بسیاری از مترجمان تحت تأثیر آن قرار داشته و تا مدت ها پس از او ادامه یافته و دنبال شده است. به طوری که در سال های بعد، بسیاری از مترجمان کار او را ادامه داده و به این حرکت فرهنگی پیوستند. به عنوان نمونه، به دلیل تأثیرپذیری خلفای عرب از ترجمه آثار پهلوی به زبان عربی که

به وسیله ابن مقفع صورت گرفته بود؛ در دوران خلافت هارون (۱۹۳-۱۷۰ ه.ق) و پسرش مأمون عباسی، بیت الحکمه‌هایی به منظور نشست‌های علمی اهل ادب و فضل و حکمت، برای ترجمه متون از زبان‌های گوناگون تأسیس یافت. ذبیح‌الله صفا می‌نویسد: «ترجمه برخی از کتاب‌های پهلوی به دست ابن مقفع علاوه بر آنکه الگوی سایر مترجمان از جمله ابوسهل فضل بن نوبخت گردید، نظام دیوان‌سالاری عباسیان را انسجام بخشید» (صفا، ۱۳۵۶، ج ۴: ۵۸). باری، پردازش کلیله و دمنه به عربی، نمونه عینی از سرمایه‌های تجسد یافته ابن مقفع محسوب می‌شود که معرف علاقمندی و گرایش او به این کار فرهنگی‌ست. در این باره، صرف وقت و هزینه را نباید از خاطر دور داشت.

با بررسی دیباچه کوتاهی که از ابن مقفع در مقدمه کلیله و دمنه به یادگار مانده است سیمای فرهنگی این مرد فرهیخته قابل تجسم است. در اندیشه متعالی ابن مقفع برای افراد زنده چاره‌ای جز تحصیل علم نیست: «و زنده را از دانش و کردار نیک چاره نیست» (منشی، ۱۳۸۶: ۷۱). وی کسب علم و آگاهی را برای همه انسان‌ها لازم دانسته و ذخیره دانش را همچون ذخیره توشه آخرت از ملزومات برمی‌شمارد: «و بر مردمان واجب است که در کسب علم کوشند و فهم را در آن معتبر دارند که طلب علم و ساختن توشه آخرت از مهمات است.» (همان: ۷۱) و خوب علم‌آموزی و مطالعه در نزد ابن مقفع با تأکید بر دو رکن اولیه دانش‌آموزی توصیه می‌شود. ابن مقفع اولین شرط طالب علم را در «حُسن قرائت» می‌داند. چرا که خوانش صحیح متن، باب آغازین فهم معانی است: «اول شرطی طالب این کتاب، حُسن قرائت است که اگر در خواندن فروماند، به تفهیم معنی کی تواند رسید؟» (همان: ۷۰) زیرا که «خط کالبد معنی است و هرگاه که در آن اشتباهی افتاد، ادراک معانی ممکن نگردد.» (همان) دومین شرط، توجه به چگونگی خواندن و درک مطالب است: «و چون بر خواندن قادر بود، باید که در آن تأمل واجب دارد و همّت در آن نبندد که زودتر به آخر رسد؛ بلکه فواید آن را به آهستگی در طبع جای

می دهد.» (همان) فایده حقیقی مطالعه در فهم آن است: «و به حقیقت نباید دانست که فایده در فهم است نه در حفظ.» (همان: ۷۱) آموختن علم در نزد ابن مقفع، از جایگاهی بس والا برخوردار است. وی بر آن است که «ذات» و «نفس» آدمی در مجاورت با آموزش و یادگیری حرمت می یابد: «فایده در تعلّم، حرمت ذات و عزّت نفس است.» (همان: ۷۲) لزوم همراهی علم با عمل از نکات مهمی است که وی بر آن تأکید دارد: «هر که علم بداند و بدان کار نکند، به منزلت کسی باشد که مخافت راهی می شناسد، اما ارتکاب کند تا به قطع و غارت مبتلا گردد، یا بیماری که مضرت خوردنی ها می داند و هم چنان بر آن اقدام می نماید تا در معرض تلف افتد.» (همان: ۷۱) ابن مقفع علم را با کردار نیک؛ توأمان توصیه می کند: «علم به کردار نیک جمال گیرد که میوه درخت دانش، نیکوکاری است و کم آزاری.» (همان: ۷۱) کسی دولت یار و سعادت مند است که از خردمندان پیروی کند چه این که یکی از ملزومات نیک بختی، خردمندی است: «چه نیکبخت و دولت یار آن تواند بود که تقیل به مُقبلان و خردمندان واجب بیند.» (همان: ۷۳)

۴- نصرالله مُنشی و دانش دوستی

منشی معتقد است «کسی که در راه تحصیل علم و دانش، بلندهمت نبوده و رنج تعلیم نچشد؛ هرگز به منزلتی والا دست نیابد. چه این که هر کسی با «صناعت» ترجمه فارسی کلیده آشنا باشد و اندکی در آن تفکر و تأمل نماید؛ بفرست خواهد فهمید که چه رنج ها و مشقاتی بر سر آن کشیده شده است.» (همان: ۳۸) جایگاه علم و دانش و آگاهی در نزد ابوالمعالی تا بدان درجه والا است که «هر کس در زیر سایه علم دانشمندان آرام گیرد، تا به خورشید کشف حقایق نزدیک شود، به شکوه و جلالی دست می یابد که گنه آن ناپیداست.» (همان: ۲۲)

یکی از خصوصیات بارز منشی گرایش به کتاب و کتاب خوانی است. این موضوع از فحوای سخنان قابل استنباط است: «و در قصص خوانده آمده است که ...» (همان: ۲۵) و نیز:

«و محاسن این شهر بسیار است و هرکس از اصحاب تواریخ در آن خوضی نموده‌اند و شرح و تفصیل آن مستوفی بیاورده.» (همان: ۴۳) او کتاب را بهترین دوست انسان معرفی می‌کند و آن را سخنگویی نیکو می‌نامد (همان: ۳۹) چرا که: «وَ خَيْرُ جَلِيسٍ فِي الزَّمَانِ كِتَابٌ وَ در امثال است که نِعَمَ الْمُحَدَّثِ الدَّفْتَرُ.» (همان: ۳۹) اهمّیت حکمت و جایگاه علم و دانش در نزد «ملوک و اعیان» مورد تأکید نصرالله منشی است: «حکمت همیشه عزیز بوده است خاصّه به نزدیک ملوک و اعیان.» (همان: ۴۸) در دیباچه مترجم، نام برخی از پادشاهان معروف ذکر شده است. ابوالمعالی سبب ذکر آنها را به خاطر توجه ایشان به سخنان حکما عنوان می‌کند و می‌گوید بدین خاطر است که نام و یاد آنها در صحیفه روزگار، ماندگار شده است: «و نیز اگر ملوک گذشته که نام ایشان در مقدمه این فصل آورده شده است از این نوع توفیقی یافتند و سخنان حکما را عزیز داشت تا ذکر ایشان از آن جهت بر وجه روزگار باقی ماند.» (همان: ۵۱)

آگاهیم که ترجمه فارسی کلیله و دمنه به خامه ابوالمعانی، یکی از ماندگارترین ترجمه‌هایی است که از زبان عربی صورت پذیرفته است. سبک و شیوه نصرالله منشی که با ترجمه این کتاب به شهرت عالم‌گیر دست یافت، آنچنان از قوت بیان و قدرت معانی برخوردار است که موجب گشت بسیاری از نویسندگان به تقلید از انشای او بنویسند و ترجمه کنند و حال آن که به قول مینوی «از این همه تقلید کننده یکی را بنده نمی‌شناسد که شیوه انشای نویسنده کلیله و دمنه را چنانکه باید و شاید آموخته و یا هنر او را به کار برده باشد.» (منشی، ۱۳۹۱: بیج) ترجمه کلیله و دمنه، مهمترین اثر بازمانده از نصرالله منشی است که در زیبایی و استواری و فصاحت و آراستگی سخن، یکی از آثار نفیس ادب فارسی محسوب می‌شود. هنر ترجمه نصرالله منشی از این کتاب موجب ترجمانی بود که بعد از وی در پهنه ادب فارسی پدید آمد. به اذعان صاحب «لباب الباب» این ترجمه «دستمایه جمله کتاب و اهل صنعت» بوده که «از منشآت پارسیان هیچ تألیف آن اقبال ندیده و آن قبول نیافته است» (عوفی، ۱۳۳۵: ۸۷) و بدین خاطر بوده است که

ابوالمعالی را بنیانگذار نثر فنی در ادب فارسی دانسته و نثر قرن ششم هجری را به نام او نامگذاری کرده اند: «این شیوه و طریقه کلیله چنان در ادب فارسی تأثیرگذار بوده است که نثر قرن ششم را نثر فنی یا شیوه ابوالمعالی نامیده اند» (بهار، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۳۸). ترجمه گرانسنگ ابوالمعالی و سبک و شیوه او در این کار که معرف دانش زبانی و ادبی اوست، خود یکی از سرمایه های فرهنگی تجسد یافته به شمار می آید که شایسته توجه است. آشنایی کامل با زبان و ادبیات عربی و استادی وی در زبان و ادبیات فارسی دستمایه قدرت و مهارت او در کار ترجمه کلیله و دمنه بوده است. بنابراین، پردازش نهایی که یکی از نمودهای بارز سرمایه های فرهنگی عینیت یافته تلقی می شود، بر ساخته از سرمایه فرهنگی تجسد یافته منشی تحت عنوان حذاقت و توانایی مترجم است. بازنویسی کلیله و دمنه که حاصل استعداد، چیره دستی و کاردانی ابوالمعالی در این کار فرهنگی است، نمونه ای از سرمایه های فرهنگی تجسد یافته منشی است که با صرف وقت و زمان و منابع مالی به عینیت رسیده است.

نتیجه گیری

پیوند دهنده ادبیات با جامعه شناسی، فرهنگ و زبان است که از رهگذر ماهیت اجتماعی زبان و فرهنگ شکل گرفته است. بر این اساس، ادبیات آینه تمام‌نمای فرهنگ‌ها و زبان‌های ملون هر جامعه است به طوری که ادبیات را صورت عینیت یافته فرهنگی قلمداد کرده‌اند. علم و هنر و علاقه به دانش و آگاهی یکی از مؤلفه‌هایی است که دارنده آن از سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته برخوردار است. از این منظر، کتاب کلیله و دمنه به عنوان یکی از سرمایه‌های فرهنگی عینی در حوزه ادبیات تعلیمی از وجهه شاخصی برخوردار است. یکی از نمودهای شاخص ترجیحات فرهنگی در کلیله و دمنه، تعامل فرهنگی انوشیروان ساسانی و برزویه طیب است که با صرف هزینه و وقت بسیار در پی دستیابی به کتاب کلیله و دمنه به عنوان یکی از دارایی‌های گرانسنگ ادبیات و فرهنگ هندوستان به منظور ارتقاء سرمایه‌های فرهنگی مردمان ایران زمین صورت پذیرفته است. انوشیروان سمبل پادشاهان فرهیخته‌ای است که با ایجاد فضای مشارکت جمعی، آرمان‌های فرهنگی خود را در مسیر اعتلای فرهنگ و ادب سرزمین ایران، پرورانیده و از این طریق به مخاطبان در گزینش و ارزش‌گذاری مفاهیم و مدلول‌های برجسته فرهنگی یاری می‌رساند. همچنین تمکین و تمایل برزویه به پذیرش مسولیت انتقال خطیر این کتاب از هند به ایران و صرف روزگار دراز در استنساخ کلیله و دیگر کتب هندوان و کار ترجمه آن از زبان هندی به پهلوی؛ یکی دیگر از مصادیق بارز این مؤلفه است که به عنوان سرمایه‌های فرهنگی تجسم یافته قابل طرح است.

اهمیت علم و دانش نزد ابن مقفع و نصرالله منشی بسیار قابل توجه است. در واقع، از سرمایه‌های تنیده شده در جسم و روح این افراد فرهیخته، توجه و علاقه شدیدشان به علم‌آموزی و کاربردی ساختن آن است. در اندیشه متعالی ابن مقفع برای آنهایی که زنده‌اند تحصیل علم از ضروریات مهم و غیرقابل اغماض است. علم آموزی به اندازه‌ای برای آدمی لازم و بایسته است که فراهم‌سازی توشه آخرت. نصرالله منشی معتقد است که تحصیل علم و تعلیم دانش‌های مختلف، طریق واحدی است که آدمی را به منزلتی والا در شأن جایگاه انسانی او خواهد رساند. جایگاه رفیع علم و آگاهی در نزد ابوالمعالی تا بدان درجه است که به زعم او متابعت از عالمان و افراد فرهیخته شکوه و جلال وصف ناپذیری به آدمی خواهد بخشید که در هیچ موضوع دیگری نمی‌توان همانند آن را تجربه کرد.

فهرست منابع و مآخذ

الف - کتاب نامه

- ۱ - ابن بلخی، (۱۳۸۵)، *فارسانامه*، به سعی و اهتمام و تصحیح گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون، تهران: اساطیر.
- ۲ - ابن ندیم، محمد بن اسحاق الوراق، (۱۴۱۷)، *الفهرست*، تحقیق: ابراهیم رمضان، بیروت: دارالمعرفه.
- ۳ - ابن مقفع، عبدالله، (۱۴۲۷)، *الادب الصغیر و الادب الکبیر*، تحقیق و درآسه د. انعام فواک، بیروت: دارالکتاب العربی.
- ۴ - اصطخری، ابوالحسن ابراهیم، (۱۳۷۳)، *الممالک و المسالک*، ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- ۵ - انزابی نژاد، رضا، (۱۳۷۲)، *گزیده کلیده و دمنه*، تهران: جامی.
- ۶ - انگلبرت، وینتر و دیگناس، بئاته، (۱۳۸۶)، *روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش همزیستی*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: فروزان.
- ۷ - البخاری، محمد بن عبدالله، (۱۳۶۱)، *داستان های بیدپای*، به تصحیح پرویز ناتل خانلری و محمد روشن، تهران: خوارزمی.
- ۸ - بهار، محمد تقی، (۱۳۲۱)، *سبک شناسی*، جلد دوم، تهران: وزارت فرهنگ.
- ۹ - _____، (۱۳۷۶)، *سبک شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی (دوره ۳ جلدی)*، تهران: امیرکبیر، چاپ نهم.
- ۱۰ - تفضلی، احمد، (۱۳۸۳)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران: مهارت.
- ۱۱ - ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، (۱۳۶۸)، *تاریخ ثعالبی (مشهور به غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم)*، ترجمه محمد فضایی، تهران: نقره.
- ۱۲ - جاحظ، عمرو بن بحر، (۱۹۶۸م)، *البیان و التبیین*، به کوشش فوزی عطوی، جلد یکم، بیروت: دار و مکتب الهلال.

- ۱۳ حاجی خلیفه، مصطفی ابن عبدالله، (۱۳۷۸)، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، الجزء الثاني، طهران: مکتبه السلامیه و الجعفری.
- ۱۴ الحموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله، (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، بیروت: دار الصادر.
- ۱۵ دینوری، ابوحنیفه، (۱۳۷۱)، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود دامغانی، تهران: نشرنی.
- ۱۶ صالحی امیری، سیدرضا و سپهرنیا، روزیتا، (۱۳۹۴)، *الگوی ارتقای سرمایه فرهنگی در ایران*، تهران: قفوس.
- ۱۷ صفا، ذبیح الله، (۱۳۵۶)، *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی*، جلد چهارم، تهران: امیرکبیر.
- ۱۸ عوفی، سدیدالدین محمد، (۱۳۳۵)، *لباب الالباب*، به تصحیح محمد قزوینی و ادوارد براون، به کوشش سعید نفسی، تهران: انتشارات کتابفروشی ابن سینا.
- ۱۹ فردوسی، ابوالقاسم، (۱۹۷۰م)، *شاهنامه*، (متن انتقادی تحت نظر برتلس)، جلد هشتم، مسکو: انستیتوی خاورشناسی و آکادمی علوم اتحاد شوروی.
- ۲۰ محسنی، منوچهر، (۱۳۶۷)، *مقدمات جامعه شناسی*، تهران: نشر دوران.
- ۲۱ منشی، نصرالله، (۱۳۸۶)، *کلیله و دمنه*، بر اساس نسخه مجتبی مینوی، شرح دکتر خیرالله محمودی، شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- ۲۲ - _____، (۱۳۹۱)، *کلیله و دمنه*، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.

ب- مجلات و انتشارات

- ۲۳ - بابایی فرد، اسدالله؛ حیدریان، امین، (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال دوازدهم، شماره ۱، صص: ۱۱۷-۱۴۲.
- ۲۴ - پیرنجم‌الدین، حسین و شهبازی، شیما، (۱۳۹۰)، «پیر بوردیو و نقد ادبی، نامه نقد» (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران) به کوشش محمود فتوحی، تهران: خانه کتاب.

- ۲۵ توسلی، غلام عباس، (۱۳۸۳)، «تحلیلی از اندیشه پیر بوردیو درباره فضای منازعه آمیز اجتماعی و نقش جامعه شناسی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳، صص: ۲۵-۱.
- ۲۶ جانعلیزاده چوب بستی، حیدر؛ خوشفر، غلامرضا؛ سپهر، مهدی، (۱۳۸۹)، «در جستجوی سنجش سرمایه فرهنگی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و رسانه، شماره ۲۰، صص: ۲۱۷-۲۳۸.
- ۲۷ جلیلیان، شهرام و نجم الدین، گیلانی، (۱۳۹۶)، «خسرو انوشیروان و شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران در دوره ساسانیان»، مجله مطالعات ایرانی، سال شانزدهم، شماره ۳۱، صص: ۲۱-۳۴.
- ۲۸ چوپانیان، جواد، (۱۳۹۲)، «شناخت بهتر برزویه طبیب بر اساس کلیله و دمنه»، پژوهش های علوم تاریخی، دوره ۶، شماره ۱، صص: ۳۳-۵۲.
- ۲۹ حدادیان، سمیه؛ حیدری، علی؛ صحرائی، قاسم، (۱۳۹۷)، «تحلیل کهن الگوی پیرخردمند در کلیله و دمنه»، نثر پژوهی ادب فارسی، شماره ۴۳، صص: ۴۵-۶۲.
- ۳۰ راد، فیروز؛ امین مظفری، فاروق و فتاح سلمانزاده مظلومی. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با هوش فرهنگی مدیران دبیرستان های تبریز»، مجله مطالعات جامعه شناسی، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص: ۱۱۱-۱۳۳.
- ۳۱ رضایی، محمد و تشویق، فاطمه، (۱۳۹۲)، «بازخوانی سنج های سرمایه فرهنگی»، مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۲، شماره ۱، صص ۹-۳۵.
- ۳۲ سلمانی، مهدی؛ مجلی زاده، امین، (۱۳۹۵)، «کتابشناسی کلیله و دمنه در زبان فارسی»، شماره ۱۵۷، صص: ۱۰۹-۱۲۲.
- ۳۳ شارع پور، محمود و خوش فر، غلامرضا، (۱۳۸۱)، «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت جوانان (مطالعه موردی: شهر تهران)»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲، صص: ۱۳۳-۱۴۷.
- ۳۴ شیبانی اقدم، اشرف؛ محسنی پور کله رودی، زهرا بیگم، (۱۳۹۴)، «تحلیل سبک شناسی عبارت های فعلی کلیله و دمنه با رویکرد کاربردگرا»، پژوهش های نقد ادبی و سبک شناسی، شماره ۲۲، صص: ۱۶۳-۱۸۸.

- ۳۵- شیخ لووند، فاطمه؛ مستعلی‌زاد، ته‌مین، (۱۳۹۵)، «بررسی اخلاق مدیریتی در کلیله و دمنه»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره ۳۲، صص: ۱۳۵-۱۶۰.
- ۳۶- طالبیان، یحیی؛ امین، ندا، (۱۳۹۷)، «تعلیمات اخلاقی در گفتمان مسلط کلیله و دمنه و کارکرد آن در اقبال این اثر در طول تاریخ»، شماره ۳۷، صص: ۱-۳۰.
- ۳۷- حلغیانی اسفرجانی، اسحاق، (۱۳۸۴)، «تأثیر متقابل ادبیات و فرهنگ»، کیهان فرهنگی، شماره ۲۲۷ و ۲۲۸، صص: ۹۴ تا ۹۷.
- ۳۸- عاملی رضایی، مریم، (۱۳۹۶)، «تحلیل مناسبات قدرت و حقیقت از دیدگاه فوکو در داستان شیر و گاو کلیله و دمنه»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۵۸، صص: ۸۱-۱۰۴.
- ۳۹- غلامی، علی، (۱۳۹۳)، «قابل در کلیله و دمنه و مثنوی»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، شماره ۱۰۹، صص: ۱۴-۱۷.
- ۴۰- غلامی‌درگاهی، غلامرضا؛ نظری‌فر، فاطمه؛ سلیمانی، خاطره، (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی متن عربی کلیله و دمنه ابن مقفع با متن فارسی نصرالله منشی و داستان‌های بیدپای، مطالعه موردی باب حمامه‌المطوقه»، کارنامه ادب پارسی، شماره ۵، صص: ۷۹-۹۸.
- ۴۱- کاووسی، اسماعیل و خراسانی، زین‌السادات، (۱۳۸۹)، «اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه فرهنگی در میان دانشجویان رشته مدیریت دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات»، مجله مدیریت فرهنگی، سال چهارم، شماره هشتم، صص: ۸۵-۱۰۵.
- ۴۲- کارکنان نصرآبادی، محمد؛ جعفرپور، مرتضی و پروری آرانی، زینب، (۱۳۹۱)، «عوامل مؤثر بر سرمایه فرهنگی در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل»، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۷، صص: ۱۴۳-۱۷۱.
- ۴۳- محمودی، مریم، (۱۳۹۳)، «تشبیه برجسته‌ترین ویژگی سبکی کلیله و دمنه»، مجله فنون ادبی، شماره ۱۱، صص: ۱۲۱-۱۳۲.

- ۴۴ - مدرس زاده، عبدالرضا؛ خراسانی، محبوبه؛ نعنافروش، فاطمه، (۱۳۹۴)، «رویکرد نصرالله منشی به ادب تعلیمی در دوره سلجوقی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال هفتم، شماره بیست و ششم، صص: ۶۱-۸۲.
- ۴۵ - مقدسی نیا، مهدی، (۱۳۹۷)، «تأثیر وابستگی گفتمانی مترجم بر ترجمه؛ مطالعه موردی ترجمه فارسی کلیله و دمنه»، پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۱۹، صص: ۳۳ - ۵۶.
- ۴۶ - عنادی، مرتضی، (۱۳۸۶)، «سرمایه فرهنگی و فضای فرهنگی خانواده ها»، فصلنامه خانواده و پژوهش، سال اول، شماره ۱، صص: ۱-۳۵.
- ۴۷ - خرماشیری، اسماعیل، (۱۳۹۷)، «خوانش تحلیلی گفتمان «شاهزاده و یاران او» در کلیله و دمنه بر پایه نشانه - معناشناسی»، زبان و ادبیات فارسی، شماره ۸۵، صص: ۲۱۱-۲۲۹.
- ۴۸ - نظری چروده، معصومه؛ آذر، امیر اسماعیل؛ طهماسبی، فرهاد، (۱۳۹۷)، «روایت شناسی حکایت های کلیله و دمنه در سطح داستان با تکیه بر حکایت پادشاه و برهمنان»، فنون ادبی، شماره ۲۲، صص: ۱-۱۶.
- 49- Storberg, Jula. (2002). "The Evolution of Capital Theory". A Critique of a Theory of Social Capital and Implications For HRD, Human Resource Development Review; 1; 468.
- 50- Anheier .H & Gerhards. J & Romo. F .(1995). "Forms of capital and Social Structure in Cultural Fields,Examining Bourdieu Social Topography". American Journal of Sociology, vo:100, NO:4.pp. 859-903.
- 51- Bourdieu, P. (1997), "The Forms of Capital", In Education: Culture, Economy, and Society, edited by Halsey et al. Oxford: Oxford University Press.
- 52- Andersen, IG, Jæger, MM. (2013). "Cultural Capital in Context:Heterogeneous Returns to Cultural Capital across Schooling", The DanishNational Centre For Social Research, Copenhagen; Department Of Sociology,University Of Copenhagen, Denmark.vo: 50. pp. 177-188.
- 53- Aschaffenburg, Karen, Mass, Ineke .(1997). "Cultural and Educational Careers,Thedynamics of social reproduction", American sociological review, VO: 62,No: 4.